Managment Center of the IRI Women's Seminaries
Women and Family Research Institute

quarterly Journal Of
Gender And Family Studies

Family Consolidation through Meaning-Making in Life, with Emphasis on the Thought of the Supreme Leader

Hossein Bostan(Najafi), Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute and University, Qom, Iran. (bostannajafi@gmail.com)
Mostafa Zarei*, PhD in Nahj al-Balagha Studies, University of Quran and Hadith Sciences, Qom, Iran. (Mstfyzary811@jmail.com)
Ali-Reza Fattahi, Undergraduate Student in Islamic Studies, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, Iran. (aft59621@gmail.com)

Article Info

Date received: 08/06/1404
Date confirmed: 31/05/1405

Family consolidation,
Meaning-making in life,
The Supreme Leader of the Revolution,
Islamic lifestyle,
Thematic analysis.

Extended Abstract

The institution of the family in the contemporary era is confronted with profound crises, many of which are rooted in the "crisis of meaning" in modern societies. Extreme individualism, the decline of spiritual functions, and the predominance of an instrumental view of relationships have caused families to lose their former cohesion and resilience and to become vulnerable to tensions. In such a context, the mere provision of material needs is not a sustainable factor for the consolidation of the family; what can safeguard family bonds is the existence of shared, meaningful goals, values, and orientations that lend coherence and purpose to the collective life of the family. Hence, the central problem of the research is to discover the psychological-spiritual mechanisms that lead to "family consolidation" through "meaning-making in life." The aim of the article is to present a conceptual and strategic model based on the intellectual system of the Supreme Leader of the Revolution, Imam Khamenei, in order to explain the effective processes and to design educational interventions and cultural policymaking.
The present study is qualitative in paradigm and fundamental in purpose, seeking to develop a "middle-range theory" to explain how meaning influences family consolidation. To achieve this aim, the method of thematic analysis with an inductive approach has been employed.

The data population consists of the complete corpus of the Supreme Leader's statements, speeches, messages, and writings from the beginning of his leadership until the present, which were collected and refined by searching for keywords related to the family, marriage, lifestyle, ethics, and spirituality. The analysis process was carried out according to the six-stage model of Braun and Clarke and included open coding, identification of initial themes, review, final definition, and reporting. To enhance validity, all stages were recorded with complete transparency, and the findings are supported by documented evidence from the primary texts.

The data analysis led to the identification of four principal mechanisms that form the core of the conceptual model. First, the mechanism of cognitive transformation, which, through the reinterpretation of hardships as a "divine test" and an "opportunity for growth," transforms the interpretive framework of the family and prevents mutual reproach and internal conflicts. Second, the mechanism of purpose-giving, which, by linking daily duties and family roles to transcendent goals such as the upbringing of a righteous generation and companionship in marriage as worship, bestows profound direction and sustainable motivation upon shared life. Third, the value-normative mechanism, which, by replacing "self-sacrifice and forbearance" for the logic of rights and give-and-take, shifts the management of conflicts from confrontation to mutual cooperation. Fourth, the mechanism of communicative transcendence, which elevates love from transient emotions to the depth of "affection and mercy" (mawadda and raḥma) and creates a stable, responsible, and compassionate emotional bond between the spouses.

The principal innovation of the article lies in two axes: first, moving beyond merely descriptive approaches and offering a process-based explanation of how spiritual teachings influence family strength; second, designing an integrated and dynamic model in which four mechanisms, in synergistic interaction, give rise to a "semantic immune system." This model, while engaging in dialogue with modern family theories (such as Walsh's resilience theory and Frankl's logotherapy), provides a foundation for formulating operational strategies at three levels: the macro (policymaking), the meso (culture and media), and the micro (education and counseling). The results indicate that a return to "meaning" is an undeniable necessity for the survival and transcendence of the family in the present age, and that the intellectual system of the Supreme Leader, by presenting these mechanisms, can be regarded as an efficient and indigenous model for family policymaking in Islamic societies.

مطالعات جنسیت و خانواده

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
پژوهشکده زن و خانواده

تحکیم خانواده از طریق معنابخشی به زندگی با تأکید بر اندیشهٔ رهبر معظم انقلاب

حسین بستان نجفی
دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
bostannajafi@gmail.com
مصطفی زارعی*
دکتری علوم نهج‌البلاغه، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران
Mstfyzary811@gmail.com
علی‌رضا فتاحی
دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی،دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی، قم، ایران
aft59621@gmail.com

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰
تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

تحکیم خانواده،
معنابخشی به زندگی،
رهبر معظم انقلاب،
سبک زندگی اسلامی.

چکیده

نهاد خانواده در دوران کنونی دچار بحران‌های عمیقی است که بخش بزرگی از آن در «بحران معنا» در جوامع مدرن ریشه دارد. این پژوهش مبتنی بر منظومهٔ فکری رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای در پی شناسایی سازوکارهایی است که از طریق آنها «معنابخشی به زندگی» به «تحکیم خانواده» منجر می‌شود و براین‌اساس یک مدل راهبردی جامع ارائه می‌دهد. در این تحقیق کیفی، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مجموعهٔ جامعی از بیانات، سخنرانی‌ها و مکتوبات ایشان به صورت نظام‌مند واکاوی شده است. داده‌ها پس از کدگذاری باز در قالب مضامین محوری دسته‌بندی شد و روابط میان آنها برای ساخت مدل مفهومی، بررسی شد. تحلیل‌ها به رونمایی از یک سیستم یکپارچه متشکل از چهار سازوکار کلیدی روان‌شناختی - معنوی منجر شد: ۱. سازوکار تحولِ شناختی (بازتفسیر سختی‌ها به مثابه فرصت رشد)؛ ۲. سازوکار غایت‌بخشی (عینیت بخشیدن به اهداف متعالی در نقش‌های روزمره)؛ ۳. سازوکار ارزشی - هنجاری (حاکمیت ایثار و گذشت بر منطق قراردادی)؛ ۴. سازوکار تعالی ارتباطی

(ارتقای عشق از سطح هیجان به «مودّت و رحمت»). این مدل موجب می‌شود سیاست‌گذاران، مشاوران و نهادهای فرهنگی بتوانند مداخلات مؤثر آموزشی و تربیتی را با هدف مصون‌سازی و تقویت نهاد خانواده طراحی و اجرا کنند.

مقدمه و بیان مسئله

نهاد خانواده در طول تاریخ، اصلی‌ترین کانون رشد انسان و رکن ثبات اجتماعی شناخته شده است؛ اما امروزه با چالش‌های ساختاری و بحران‌های عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. شواهد آماری و گزارش‌های رسمی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۲ نشان‌دهندهٔ کاهش میزان پایداری ازدواج‌ها و افزایش نگران‌کنندهٔ نسبت طلاق در کشور است (ر.ک: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳: ۱۶۸). همسو با این روند، پژوهش‌های جامعه‌شناختی نیز تأیید می‌کنند خانواده‌ها به دلیل غلبهٔ سبک زندگی فردگرایانه، در برابر تنش‌ها بسیار آسیب‌پذیر شده و الگوهای سنتی حمایت، کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند.

در چنین اوضاعی، صرف برخورداری از امکانات مادی و رفع نیازهای اقتصادی، تضمین‌کنندهٔ استحکام روابط خانوادگی نیست؛ بلکه پایداری زندگی مشترک در گرو وجود اهداف، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های مشترکی است که به روابط خانوادگی، معنا و انسجام می‌بخشند. هرچه این مؤلفه‌ها در خانواده کم‌رنگ‌تر شوند، ظرفیت اعضا برای مواجهه با دشواری‌ها و حفظ پیوندهای خانوادگی نیز کاهش می‌یابد.

در بستر فرهنگی جامعهٔ اسلامی ایران، اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب به عنوان راهبردی‌ترین منظومهٔ فکری، همواره بر محوریت خانواده و سبک زندگی اسلامی تأکید داشته است. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد تاکنون مطالعات متعددی به بررسی دیدگاه‌های ایشان پرداخته‌اند؛ ازجمله برخی پژوهش‌ها به استخراج الگوی شادکامی، جایگاه تربیتی زن یا شاخص‌های خانوادهٔ متعالی در کلام ایشان همت گمارده‌اند (ر.ک: پسندیده و همکاران، ۱۳۹۷؛ عطارزاده و بهشتی، ۱۴۰۰).

با وجود ارزشمندی این آثار، تأمل دقیق در آنها یک «خلأ پژوهشی» اساسی را آشکار می‌کند:

اغلب این پژوهش‌ها در سطح «توصیف» متوقف مانده و صرفاً به فهرست کردن توصیه‌های اخلاقی و «بایدها و نبایدها» بسنده کرده‌اند. مسئله اینجاست که این مطالعات توضیح نمی‌دهند که این آموزه‌ها دقیقاً «چگونه» و طی چه فرایند روان‌شناختی عمل می‌کنند. به بیان دیگر صرف دانستن توصیه‌ها تضمین‌کنندهٔ عمل به آنها نیست؛ ما نیاز داریم بدانیم در منظومهٔ فکری آیت‌الله خامنه‌ای دقیقاً چه سازوکارهایی وجود دارد که یک «باور اعتقادی» را به یک «رفتار تاب‌آورانه» و

ثبات در خانواده تبدیل می‌کند. تبیین نشدن این حلقهٔ مفقوده باعث شده ظرفیت‌های این اندیشه برای حل مسائل عینی و کاربردی خانواده کاملاً آشکار نشود. بنابراین این پژوهش با عبور از رویکردهای توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که «معنابخشی به زندگی» در اندیشهٔ رهبر معظم انقلاب از طریق چه سازوکارهای مشخصی به «تحکیم خانواده» می‌انجامد و چگونه می‌توان این سازوکارها را در قالب یک مدل مفهومی منسجم، صورت‌بندی کرد؟

مرور ادبیات و چارچوب مفهومی

برای درک عمیق سازوکار «تحکیم خانواده» در منظومهٔ فکری رهبر معظم انقلاب، ضروری است مفاهیم کلیدی این پژوهش را در تقاطع سه حوزهٔ نظری شامل «روان‌شناسی معنا»، «حکمت اسلامی» و «نظریه‌های تاب‌آوری خانواده» تبیین کنیم.

معنای زندگی در روان‌شناسی و حکمت اسلامی

معنا و هدفمندی در زندگی ازجمله مؤلفه‌هایی است که نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش انسان به خود، دیگران و رویدادهای زندگی ایفا می‌کند. برخورداری از افق معنایی روشن، توانایی فرد را در رویارویی با دشواری‌ها افزایش می‌دهد و به زندگی، جهت و انسجام می‌بخشد؛ ازاین‌رو مسئلهٔ معنا نه‌تنها در حوزهٔ روان‌شناسی، بلکه در نظام‌های فکری و تربیتی گوناگون نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در حکمت اسلامی، معنا از یک امر صرفاً ذهنی فراتر رفته و ریشه در نظام هدفمند آفرینش دارد. اندیشورانی همچون استاد شهید مرتضی مطهری بر این باورند که ایمان به مبدأ و معاد به کل زندگی انسان جهت می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج۲۲: ۸۹) و سختی‌ها را از پدیده‌ای مزاحم به «عامل تکامل» تبدیل می‌کند (همان، ج۱: ۱۷۶). در این نگاه، خانواده – فراتر از یک قرارداد اجتماعی – بستری برای تحقق فضایل اخلاقی و رشد معنوی انسان است؛ بستری که بر پایه مودّت و رحمت استوار می‌شود و قرآن کریم نیز بر آن تأکید کرده است.

نظریه‌های تحکیم و تاب‌آوری خانواده

درک امروزی از تحکیم خانواده، وام‌دار مدل‌های «تاب‌آوری» است. نظریه‌پردازانی مانند فرما والش، فرایندهای کلیدی خانواده‌های سالم را در سه حوزهٔ «سیستم‌های اعتقادی» (معناسازی)، «الگوهای سازمانی» و «فرایندهای ارتباطی» دسته‌بندی می‌کنند. پژوهش‌های تجربی نیز هم‌بستگی مثبت میان دین‌داری و رضایت زناشویی را تأیید کرده‌اند؛ برای نمونه مطالعات نشان داده مناسک مشترک دینی به ایجاد «معنای مشترک» کمک می‌کند و تعهد زوجین را افزایش می‌دهد (ر.ک: خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵).

ضرورت تبیین رویکرد سازوکارمحور

پژوهش‌های پیشین دربارهٔ اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در حوزهٔ خانواده عمدتاً به توصیف مؤلفه‌ها و بایدها پرداخته‌اند (ر.ک: بانکی‌پور، ۱۳۹۵؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۰). بااین‌حال خلأ اصلی در تبیین «فرایندها» است؛ به این معنا که مشخص نیست آموزه‌های معرفتی ایشان از طریق چه سازوکارهای روانی در درون خانواده عملیاتی می‌شوند. مدل مفهومی این پژوهش به دنبال پر کردن این شکاف از طریق کشف این سازوکارهاست.

مطالعات دربارهٔ اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای در حوزهٔ خانواده

در زمینهٔ تحلیل اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله منتشر شده است (ازجمله آثاری که از سوی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان تدوین شده‌اند). این مطالعات عموماً با روش توصیفی یا تحلیل محتوای ساده، بیان می‌کنند که «ایشان چه می‌گویند»؛ اما کمتر توضیح می‌دهند که این آموزه‌ها از طریق چه «فرایندهای روان‌شناختی» به تحکیم عملی خانواده منجر می‌شوند.

مرور ادبیات نشان می‌دهد در نقطهٔ تلاقی این حوزه‌ها یک خلأ آشکار وجود دارد. با وجود اینکه ارتباط کلی «معنویت» و «سلامت خانواده» در سطح جهانی به‌خوبی اثبات شده و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب» نیز به صورت توصیفی مستندسازی شده است، هیچ مطالعه‌ای تاکنون به صورت نظام‌مند به استخراج سازوکارهای روان‌شناختی - معنوی از دل منظومهٔ فکری ایشان نپرداخته و آن را در قالب یک مدل مفهومی و راهبردی یکپارچه (که با نظریات مدرن خانواده مانند نظریهٔ تاب‌آوری والش قابل گفت‌وگو باشد) صورت‌بندی نکرده است. این پژوهش دقیقاً برای پر کردن این خلأ طراحی شده و به دنبال ارائهٔ یک «تئوری سطح میانی» است که فرایند تأثیرگذاری «معنای زندگی» بر «تحکیم خانواده» را بر اساس این دیدگاه تبیین می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دیدگاه پارادایم، یک تحقیق کیفی[1] و از نظر هدف، یک پژوهش بنیادی[2] است که در پی توسعهٔ یک مدل مفهومی و تئوری سطح میانی است. برای دست‌یابی به این هدف از روش تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک[3] با رویکردی استقرایی بهره گرفته شده است. این روش به

1. Qualitative Research.
2. Fundamental Research.
3. Thematic Analysis.

پژوهشگر اجازه می‌دهد الگوها و مضامین کلیدی[1] را از دل داده‌های متنی، شناسایی، تحلیل و گزارش کند (براون و کلارک،[2] ۲۰۲۱م: ۷۷). تحلیل مضمون به‌ویژه برای پاسخ به پرسش‌های «چگونگی» و کشف فرایندهای پنهان در یک مجموعه دادهٔ غنی، بسیار کارآمد است.

منبع داده‌ها و فرایند گردآوری

منبع اصلی داده‌ها برای این تحقیق، مجموعهٔ کامل بیانات، سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و پاسخ به استفتائات رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای از آغاز دوران رهبری ایشان (۱۳۶۸) تا زمان حال حاضر است. برای اطمینان از جامعیت و اعتبار داده‌ها از این منابع رسمی استفاده شده است:

- مجموعهٔ نرم‌افزاری «حدیث ولایت» که آرشیو جامعی از بیانات ایشان است.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (www.Khamenei.ir).
- کتاب‌ها و آثار مدون منتشرشده در انتشارات انقلاب اسلامی که به صورت موضوعی به دیدگاه‌های ایشان پرداخته‌اند، مانند کتاب مطلع عشق.

فرایند گردآوری داده‌ها طی دو مرحله انجام شد: نخست با بهره‌گیری از کلیدواژه‌هایی همچون «خانواده»، «ازدواج»، «زن»، «مرد»، «سبک زندگی»، «تربیت»، «اخلاق»، «معنویت»، «جوانان» و «عشق»، جست‌وجویی جامع در منابع یادشده صورت گرفت و تمامی متون مرتبط استخراج شد. سپس متون استخراج‌شده یک بار به صورت کامل، مطالعه و پالایش شدند تا فقط بخش‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع «معنای زندگی مشترک» و «راهکارهای تحکیم روابط» می‌پرداختند، به عنوان واحد تحلیل نهایی انتخاب شوند.

فرایند تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس مدل شش‌مرحله‌ای تحلیل مضمون که براون و کلارک (۲۰۰۶م) ارائه داده‌اند، انجام پذیرفت. این مراحل به صورت نظام‌مند و تکرارشونده طی شدند:

۱. **آشنایی عمیق با داده‌ها:** در این مرحله، تمامی متون منتخب چندین بار خوانده شد تا پژوهشگر به درک عمیق و جامعی از محتوا، لحن و مفاهیم پنهان در آن دست یابد. در حین مطالعه، یادداشت‌های اولیه از ایده‌های کلی برداشته شد.

۲. **ایجاد کدهای اولیه:** متن به صورت سطر به سطر بررسی شد و مفاهیم و گزاره‌های کلیدی

1. Themes.
2. Braun & Clarke.

مرتبط با پژوهش، کدگذاری شدند (کدگذاری باز). این کدها برچسب‌های معنایی کوتاهی بودند که به بخش‌هایی از متن اختصاص داده می‌شدند؛ مانند «صبر در برابر سختی‌ها»، «هدفمندی ازدواج»، «نقش الگویی حضرت زهرا علیهاالسلام» یا «محبت و رحمت متقابل».

۳. **جست‌وجوی مضامین:** پس از پایان یافتن کدگذاری، کدهای مشابه و مرتبط در گروه‌های بزرگ‌تری دسته‌بندی شدند تا مضامین بالقوة اولیه شکل گیرند. در این مرحله، تمرکز از کدهای جزئی به سمت الگوهای معنایی گسترده‌تر معطوف شد؛ برای نمونه کدهای «صبر»، «شکرگزاری در مشکلات» و «نگاه به سختی به عنوان امتحان الهی» در یک مضمون بالقوه تحت عنوان «بازتعریف شناختی مشکلات» قرار گرفتند.

٤. **بازبینی مضامین:** مضامین ایجادشده در دو سطح بازبینی شدند: نخست کدهای هر مضمون مرور شد تا از انسجام درونی آن اطمینان حاصل شود. سپس کل مجموعه مضامین با کل داده‌ها مقایسه شد تا اطمینان حاصل شود که به‌خوبی بیانگر محتوای اصلی متن هستند. در این مرحله، برخی مضامین با یکدیگر ادغام شدند، برخی به دو مضمون جداگانه تقسیم شدند و برخی که دادهٔ کافی برای پشتیبانی از آنها وجود نداشت، حذف شدند.

۵. **تعریف و نام‌گذاری نهایی مضامین:**[1] در این مرحله برای هر مضمون یک تعریف دقیق و جامع نوشته شد که بیانگر چیستی و ماهیت آن بود. این تعاریف اساس «سازوکارهایی» را تشکیل دادند که در بخش یافته‌ها عرضه می‌شوند؛ نام‌هایی نهایی، کوتاه، گویا و تحلیلی برای هر مضمون (سازوکار) انتخاب شد تا به بهترین شکل، مفهوم آن را منتقل کند.

۶. **تهیهٔ گزارش نهایی:** در مرحلهٔ پایانی، تحلیل‌ها و یافته‌ها در قالب یک روایت علمی یکپارچه نوشته شد. در این گزارش که در بخش بعدی (یافته‌ها) ارائه می‌شود، هر سازوکار به‌تفصیل تبیین شده و برای اثبات آن از نقل‌قول‌ها و شواهد مستقیم از بیانات رهبر معظم انقلاب (به عنوان داده) استفاده شده است تا تحلیل‌ها کاملاً مستند و دارای قابلیت ردیابی باشند.

اعتبار و پایایی تحقیق

برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، مراحل انجام پژوهش و فرایند تحلیل داده‌ها به صورت دقیق و شفاف تشریح شد تا امکان پیگیری و ارزیابی مسیر پژوهش فراهم باشد. همچنین تحلیل‌ها به طور مستمر با شواهد و مستندات استخراج‌شده از متن تطبیق داده شد و برای هریک از یافته‌ها، نمونه‌های متنی مرتبط استفاده شد. این امر به انسجام فرایند تحلیل و تقویت

1. Defining and Naming Themes.

قابلیت ارزیابی نتایج کمک می‌کند.

یافته‌های تحقیق

تحلیل مضمون بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب با تمرکز بر مقولهٔ «معنابخشی به زندگی و تحکیم خانواده» به شناسایی چهار مضمون اصلی (سازوکار) و هشت مضمون فرعی منجر شد. نمایی کلی از ساختار مضامین استخراج‌شده و مفاهیم مرتبط با آنها در جدول شمارهٔ ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی استخراج‌شده (سازوکارهای تحکیم خانواده)

ردیف	مضمون اصلی (سازوکار)	مضامین فرعی (مؤلفه‌ها)	مفاهیم کلیدی مستخرج از داده‌ها
۱	سازوکار (تحول شناختی) بازتعریف رنج	۱-۱. صبر به مثابه راهبرد فعال	پایداری هوشمندانه، تسلیم نشدن، مدیریت تنش
		۱-۲. نگرش به سختی به عنوان امتحان الهی	کفارهٔ گناهان، آزمایش، نردبان رشد معنوی
۲	سازوکار (غایت‌بخشی) هدفمندسازی نقش‌ها	۲-۱. خانواده کانون تربیت و تمدن‌سازی	جهاد زن، انسان‌سازی، پرورش سرباز عقیدتی
		۲-۲. همسرداری به مثابه عبادت	ساختن بنای اخلاقی، نیت الهی در رفتار با همسر
۳	سازوکار (ارزشی - هنجار) اخلاق‌مداری	۳-۱. جایگزینی «گذشت» به جای «حقوق»	پرهیز از محیط دادگاهی، عقلانیت در مدارا
		۳-۲. حاکمیت «ایثار» بر «خودمحوری»	ترجیح دیگری بر خود، فداکاری برای حفظ کیان
۴	سازوکار (تعالی ارتباطی) عمق‌بخشی عاطفی	۴-۱. مودّت (عشق عمیق و مسئولانه)	محبت اکتسابی، وفاداری، مراقبت از نهال عشق
		۴-۲. رحمت (شفقت بی‌قیدوشرط)	دل‌سوزی در ناتوانی، مهربانی بدون چشمداشت

۱. تحولِ شناختی:[1] بازتفسیر سختی‌ها از «مانع» به «فرصت»

این سازوکار اساسی‌ترین فرایند روان‌شناختی - معنوی است که چارچوب ذهنی و نظام تفسیری

1. Cognitive Reframing.

اعضای خانواده را در رویارویی با ناملایمات دگرگون می‌کند. از منظر اندیشهٔ رهبر انقلاب، مشکلات و سختی‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات دنیوی هستند؛ اما آنچه اهمیت دارد، نه خودِ مشکل، بلکه نحوهٔ نگرش و تفسیر ما از آن است. این سازوکار رنج را از یک پدیدهٔ بی‌معنا و ویرانگر به یک «آزمون الهی» و «بستر رشد» تبدیل می‌کند. این فرایند از طریق دو مؤلفهٔ کلیدی عمل می‌کند:

۱-۱. صبر به مثابه راهبردی فعال و سازنده: در این دیدگاه، صبر یک حالت انفعالی و از سر ناچاری نیست؛ بلکه یک مقاومت هوشمندانه و تلاشی فعالانه برای مدیریت شرایط و حفظ جهت‌گیری معنوی است. صبر به خانواده کمک می‌کند در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی، دچار فروپاشی روانی و تعارض‌های درونی نشود: «زندگی شیرینی‌ها و تلخی‌هایی دارد؛ حوادثی در زندگی انسان پیش می‌آید. اگر چنانچه در مقابل حوادث، زن و شوهر بتوانند با صبر و پایداری برخورد کنند، خدای متعال این صبر را بی‌اجر نخواهد گذاشت و اجر آن همین شیرینی و صفای زندگی و همین استحکام بنای خانواده است ... صبر یعنی پایداری، یعنی مقاومت، یعنی ایستادگی در مقابل مشکلات و عدم تسلیم» (بیانات در مراسم خطبهٔ عقد زوج‌های جوان، ۱۳۸۱/۰۳/۲۲).

این بیانات به‌وضوح نشان می‌دهد «صبر» یک سازوکار کنشی است که خروجی آن به‌طورمستقیم «استحکام بنای خانواده» تعریف می‌شود. این نگاه فشار اقتصادی را از تهدیدی برای رابطه به یک میدان تمرین مشترک برای «پایداری» تبدیل می‌کند.

۱-۲. سختی به مثابه امتحان الهی و کفارهٔ گناهان: این مؤلفه رنج را در یک چارچوب متافیزیکی بزرگ‌تر قرار می‌دهد. وقتی مشکلات مالی، بیماری یا حتی اختلافات سلیقه‌ای یک «امتحان الهی» تفسیر شوند، تحمل آنها آسان‌تر می‌شود و جنبهٔ شخصی و خصمانهٔ خود را از دست می‌دهند. این نگاه مانع از سرزنش متقابل زوجین و جست‌وجوی مقصر می‌شود و در عوض هردو را به پاسخ‌گویی به یک منبع متعالی فرا می‌خواند: «این سختی‌هایی که در زندگی برای انسان پیش می‌آید، اینها وسیلهٔ آزمایش الهی است ... خدای متعال می‌خواهد ببیند شما در مقابل این حادثه چگونه عمل می‌کنید. این خودش درجهٔ انسان را بالا می‌برد ... بعضی از همین حوادث هم کفارهٔ گناهان انسان است. اینها را باید با این چشم نگاه کرد. اگر با این چشم به حوادث عالم نگاه کردید، همه‌چیز برای شما شیرین و قابل تحمل می‌شود» (بیانات در دیدار با زوج‌های جوان، ۱۳۷۸/۱۲/۲۶).

این تحلیل «سازوکار تحول شناختی» را به‌خوبی روشن می‌کند. به جای آنکه زوجین از یکدیگر بپرسند «چرا این مشکل را برای من ایجاد کردی؟»، از خود می‌پرسند «ما با هم چگونه

می‌توانیم از این آزمون الهی، سربلند بیرون بیاییم؟». این تغییر زاویهٔ دید انرژی روانی خانواده را از تعارض داخلی به سمت حل مسئلهٔ مشترک و رشد معنوی هدایت می‌کند.

۲. غایت‌بخشی:[1] معنادار کردن نقش‌ها و وظایف روزمره

این سازوکار به روزمرگی‌ها و مسئولیت‌های تکراری زندگی خانوادگی، یک هدف والا و معنایی عمیق می‌بخشد. بسیاری از دل‌زدگی‌ها و فرسودگی‌های زناشویی ناشی از این است که وظایفی مانند خانه‌داری، کار در خارج از منزل و تربیت فرزندان به اموری عادی، بی‌اجر و صرفاً مکانیکی تبدیل می‌شوند. سازوکار غایت‌بخشی، این وظایف را به یک «جهاد مقدس» و فعالیتی در راستای یک هدف تمدنی بزرگ‌تر پیوند می‌زند.

۲-۱. خانواده به مثابه کانون تربیت نسل و ساخت تمدن: از نگاه رهبر انقلاب کارکرد خانواده صرفاً تأمین نیازهای عاطفی و بیولوژیک دو فرد نیست؛ بلکه مهم‌ترین پایگاه برای ساختن آیندهٔ جامعه و تمدن اسلامی است. هر فعالیتی در این چارچوب، ارزشی فراتر از خود می‌یابد. این نگاه به‌ویژه به نقش مادری، قداستی راهبردی می‌بخشد: «مهم‌ترین وظیفهٔ زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم ... و از لحاظ فکری، یک انسان خردمند و از لحاظ عقیده، یک انسان مؤمن و عمیق باشد ... خانه‌داری و تربیت فرزند بزرگ‌ترین جهاد زن است» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

این گزاره «خانه‌داری» و «تربیت فرزند» را از یک شغل خدماتی بی‌ارزش به سطح «بزرگ‌ترین جهاد» ارتقا می‌دهد. این غایت‌بخشی به زن خانه‌دار هویتی قدرتمند و معنادار می‌بخشد و رنج‌های آن را توجیه و تقدیس می‌کند.

۲-۲. همسرداری به مثابه عبادت و بستر تکامل: این مؤلفه رابطهٔ زن و شوهر را نیز از یک قرارداد اجتماعی یا رابطهٔ عاطفی صرف به یک مسیر مشترک برای سلوک معنوی تبدیل می‌کند. خوش‌رفتاری با همسر، گذشت و فداکاری نه فقط برای کسب رضایت طرف مقابل، بلکه برای کسب رضایت خداوند انجام می‌شود و به‌خودی‌خود یک عمل عبادی قلمداد می‌شود: «همین کنار هم بودن شما، با هم زندگی کردن شما، با هم ساختن شما یک حسنه است. شما دارید یک بنا را می‌سازید؛ بنای خانواده ... همین که شما گذشت می‌کنید، فداکاری می‌کنید، به هم محبت می‌کنید، این خودش عبادت است. شما در حال عبادت دائم هستید؛ مادامی که در محیط خانواده

1. Telic Centering.

با این نیت دارید زندگی می‌کنید» (بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۰۴/۰۹).

این سازوکار انگیزه برای رفتارهای مثبت را درونی و پایدار می‌کند. دیگر نیازی نیست که رفتار خوب فرد الزاماً با پاداش فوری از سوی همسر همراه باشد؛ زیرا پاداش اصلی از منبعی متعالی دریافت می‌شود. این نگاه دوام اخلاق در خانواده را حتی در شرایط اختلاف و دل‌خوری تضمین می‌کند.

۳. ارزشی - هنجاری:[1] حاکمیت «ایثار» بر «انصاف» در حل تعارض

هر رابطهٔ انسانی عرصهٔ تلاقی منافع، خواسته‌ها و سلیقه‌های متفاوت است که به‌طورطبیعی به تعارض منجر می‌شود. سازوکار ارزشی -هنجاری یک چارچوب اخلاقی برتر را برای مدیریت این تعارض‌ها ارائه می‌دهد. در منطق حقوقی و مدرن، اصل حاکم بر روابط «انصاف» و تساوی حقوق و تکالیف (بده - بستان) است؛ اما در منظومهٔ فکری رهبر انقلاب، خانوادهٔ سالم فراتر از این منطق حرکت می‌کند و بر پایهٔ «ایثار»، «گذشت» و «فضل» عمل می‌کند.

۱-۳. اصل «گذشت و مدارا» به جای «قانون‌گرایی خشک: این مؤلفه تأکید می‌کند اگر زوجین بخواهند در تمام جزئیات زندگی بر مبنای حقوق تعریف‌شده و قانون عمل کنند، زندگی سرد و بی‌روح خواهد شد. استحکام واقعی در جایی است که هریک از طرفین حاضر باشد داوطلبانه از حق خود به نفع دیگری کوتاه بیاید: «محیط خانواده، محیط دادگاه نیست که انسان بخواهد آنجا بر اساس قانون و ماده و تبصره حرف بزند. محیط عشق است، محیط محبت است، محیط گذشت است ... یکی از طرفین باید کوتاه بیاید. مگر می‌شود هردو نفر مثل دو تا لبهٔ قیچی به هم برخورد کنند؟ یکی باید گذشت کند. کدام؟ آن که عاقل‌تر است، آن که بامحبت‌تر است، آن که بیشتر به بقای این خانواده علاقه‌مند است» (بیانات در دیدار با مسئولان، ۱۳۸۲/۰۸/۰۴).

این نگاه «گذشت» را نه نشانهٔ ضعف، بلکه علامت «عقلانیت» و «علاقهٔ بیشتر» به کیان خانواده معرفی می‌کند. این هنجار فضای حل اختلاف را از یک میدان نبرد برای اثبات حقانیت به یک مسابقه برای نشان دادن بزرگواری تبدیل می‌کند.

۲-۳. حاکمیت «ایثار و فداکاری» بر «خودمحوری»: این اصل ارزش محوری حاکم بر خانواده را از «تأمین منافع فردی» به «تأمین مصالح جمعی خانواده» تغییر می‌دهد. این یعنی هریک از زوجین راحتی، آسایش و حتی پیشرفت خود را در راستای راحتی و پیشرفت مجموعهٔ خانواده تعریف می‌کند: «زندگی یعنی همین فداکاری‌ها. یکی در راه علم فداکاری می‌کند، یکی در

1. Normative-Value Regulation.

راه مبارزه، یکی در راه کمک به مردم. یکی هم در راه خانواده فداکاری می‌کند. این هم یک نوع فداکاری بسیار باارزش است. زن برای شوهرش و فرزندانش، مرد برای همسر و فرزندانش. این روحیهٔ فداکاری را در خودتان تقویت کنید» (بیانات در مراسم خطبهٔ عقد، ۱۳۷۷/۰۶/۱۱).

این سازوکار یک پادزهر قوی برای فردگرایی است که یکی از آفت‌های اصلی خانوادهٔ مدرن شناخته می‌شود. با حاکمیت این ارزش‌ها، بسیاری از تعارض‌ها پیش از آنکه به بحران تبدیل شوند، از طریق ایثار و همکاری متقابل حل‌وفصل می‌شوند.

۴. تعالی ارتباطی:[1] ارتقای عشق از «هیجان» به «مودت و رحمت»

این سازوکار بر کیفیت و ماهیت پیوند عاطفی میان زوجین تمرکز دارد. در نگاه رایج، عشق اغلب با هیجانات تند، شور و احساسات عاشقانهٔ اولیه تعریف می‌شود که طبیعتاً پس از مدتی فروکش می‌کند. این امر بسیاری از ازدواج‌ها را پس از سپری شدن دوران اولیه، دچار خلأ عاطفی می‌کند. سازوکار تعالی ارتباطی، این عشق را به سطحی عمیق‌تر، پایدارتر و معنوی‌تر ارتقا می‌دهد که در قرآن کریم با دو واژهٔ کلیدی «مودّت» و «رحمت» توصیف شده است.

۴-۱. مودّت به مثابه عشق عمیق و مسئولانه: مودّت فراتر از هیجان صرف است. این مفهوم به یک دوستی عمیق، محبتی آگاهانه و یک تعهد دوسویه برای ساختن زندگی اشاره دارد. این نوع عشق در سختی‌ها نه‌تنها کم نمی‌شود؛ بلکه ریشه‌دارتر و قوی‌تر می‌شود: «خدای متعال بین شما مودت قرار داده ... مودت یعنی دوستی، یعنی محبت عمیق ... این محبت را باید حفظ کرد. این مثل یک گیاهی است که احتیاج به رسیدگی دارد. با محبت کردن، با وفاداری، با احساس مسئولیت نسبت به هم این مودت را تقویت کنید. نگذارید این چشمه خشک بشود» (بیانات در دیدار با زوج‌های دانشجو، ۱۳۸۳/۰۷/۲۱).

این بیانات عشق را یک «مهارت اکتسابی» و «نیازمند مراقبت» معرفی می‌کند؛ نه یک احساس خودبه‌خودی و کنترل‌ناپذیر. این نگاه زوجین را برای حفظ و پرورش رابطهٔ خود توانمند و مسئول می‌کند.

۴-۲. رحمت به مثابه شفقت و مهربانی بی‌قیدوشرط: «رحمت» لایهٔ تکمیلی «مودّت» است. رحمت یعنی دل‌سوزی، شفقت و مهربانی که حتی در زمان نبود شور عاشقانه، در زمان بیماری، پیری یا حتی اختلاف همچنان جاری است. این همان نیرویی است که باعث می‌شود زن و شوهر در هر شرایطی پشتیبان و مراقب یکدیگر باشند: «[قرآن می‌فرماید] "مودّة و رحمة". این رحمت

1. Relational Transcendence.

خیلی مهم است؛ یعنی مهربانی، یعنی دل‌سوزی ... ممکن است یک وقتی زن و شوهری آن شور و محبت جوانی را نداشته باشند؛ اما آن رحمت هست؛ یعنی به هم مهربانی می‌کنند، به هم دل‌سوزی می‌کنند؛ اجازه نمی‌دهند به هم سخت بگذرد. این عامل اصلی بقای خانواده‌ها در دوران‌های دشوار است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).

این سازوکار رابطهٔ عاطفی خانواده را در برابر نوسانات اجتناب‌ناپذیر زندگی بیمه می‌کند. با تکیه بر «مودت و رحمت»، پیوند زناشویی از یک رابطهٔ مبتنی بر جاذبه‌های موقت به یک «میثاق الهی» و یک اتحاد انسانی عمیق تبدیل می‌شود که تا پایان عمر، پایدار باقی می‌ماند.

درمجموع این چهار سازوکار در یک تعامل پویا با یکدیگر، سیستمی معنابخش را خلق می‌کنند که خانواده را در برابر تهدیدات درونی و بیرونی، مصون می‌کند و آن را به کانونی برای آرامش، رشد و تعالی تبدیل می‌نماید.

تعامل پویا و هم‌افزایی سازوکارها: از اجزا به یک سیستم یکپارچه

اگرچه هریک از چهار سازوکار شناسایی‌شده کارکرد مستقلی دارند، قدرت واقعی این مدل در تعامل پویا[1] و اثر هم‌افزایانه[2] آنها نهفته است. این سازوکارها در انزوا عمل نمی‌کنند؛ بلکه یکدیگر را تقویت، تسهیل و تکمیل می‌کنند و یک چرخهٔ فضیلت[3] را پدید می‌آورند.

۱. سازوکار تحول شناختی به عنوان سنگ بنای سیستم

«سازوکار تحول شناختی» نقش یک بنیان و پیش‌شرط را برای سازوکارهای دیگر ایفا می‌کند. هنگامی که زوجین یاد می‌گیرند سختی‌ها را نه به چشم یک مانع ویرانگر، بلکه به مثابه یک «آزمون الهی» و فرصت رشد بازتفسیر کنند، ظرفیت روانی لازم برای فعال شدن سازوکارهای دیگر فراهم می‌شود؛ برای نمونه تا زمانی که فرد مشکلات مالی را یک شکست شخصی و مایهٔ سرزنش همسر بداند، نمی‌تواند وظایف روزمرهٔ خود را به عنوان «جهاد» (سازوکار غایت‌بخشی) ببیند؛ بلکه آن را باری طاقت‌فرسا خواهد یافت؛ اما با بازتفسیر مشکل، استقامت در برابر آن به بخشی از یک هدف معنوی تبدیل می‌شود و این دو سازوکار یکدیگر را تقویت می‌کنند.

۲. تأثیر غایت‌بخشی بر تقویت ارزش‌ها و روابط

هنگامی که خانواده برای خود یک هدف متعالی مشترک مانند «تربیت نسل صالح» تعریف می‌کند

1. Dynamic Interplay.
2. Synergistic Effect.
3. Virtuous Cycle.

(سازوکار غایت‌بخشی)، این هدف به یک قطب‌نمای اخلاقی برای مدیریت تعارض‌ها تبدیل می‌شود؛ درنتیجه «سازوکار ارزشی - هنجاری» به‌شدت تقویت می‌شود؛ برای نمونه گذشت و ایثار از حق شخصی دیگر یک «باخت» فردی شمرده نمی‌شود؛ بلکه یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه برای دست‌یابی به آن هدف بزرگ‌تر مشترک است. این نگاه فداکاری را معنادار و منطقی می‌کند. درواقع غایت‌بخشی به ارزش‌ها انگیزه می‌بخشد.

۳. نقش ارزش‌ها در تعمیق پیوند عاطفی

عمل کردن بر اساس «سازوکار ارزشی - هنجاری» (مانند ایثار و مدارا) به‌طورمستقیم به تقویت «سازوکار تعالی ارتباطی» منجر می‌شود. هر بار که یکی از زوجین گذشت می‌کند، در عمل در حال تزریق «رحمت» به رابطه است. هر بار که دیگری این گذشت را قدر می‌داند، در حال تقویت «مودّت» است؛ بنابراین پیوند «مودت و رحمت» نه یک احساس انتزاعی، بلکه محصول انضمامی و ملموسِ زندگی بر اساس ارزش‌های ایثار و فداکاری است. این فرایند عشق را از یک هیجان شکننده به یک میثاق عمیق و اخلاقی تبدیل می‌کند که در عمل روزمره، ساخته و پرداخته می‌شود.

۴. تکمیل چرخه با تعالی ارتباطی

درنهایت یک رابطهٔ سرشار از «مودت و رحمت» (سازوکار تعالی ارتباطی) بهترین بستر برای رویارویی با چالش‌های جدید است و «سازوکار تحول شناختی» را تقویت می‌کند. زوجینی که پیوند عاطفی عمیقی دارند، در هنگام بروز یک مشکل - به جای سرزنش یکدیگر - به صورت یک تیم واحد عمل کرده، به هم کمک می‌کنند تا مشکل را به عنوان یک آزمون مشترک تفسیر کنند. این پیوند عمیق مانع از آن می‌شود که فشار بیرونی به تعارض درونی تبدیل شود و بدین‌ترتیب این چرخه به صورت مداوم، خود را بازتولید و تقویت می‌کند. بنابراین این مدل صرفاً فهرستی از چهار مهارت جداگانه نیست؛ بلکه یک اکوسیستم معنایی است که در آن، نگرش (تحول شناختی)، انگیزش (غایت‌بخشی)، رفتار (ارزشی - هنجاری) و عاطفه (تعالی ارتباطی) در یک تعامل پویا و تنگاتنگ، سیستمی تاب‌آور و بالنده را خلق می‌کنند.

ابعاد راهبردی و کاربردی مدل: نقشهٔ راهی برای اقدام

این مدل مفهومی فراتر از یک دستاورد نظری، نقشه‌ای عملیاتی برای سیاست‌گذاری و اقدام در سه سطح کلان، میانی و خرد ارائه می‌دهد. مطابق با تأکیدات رهبر معظم انقلاب، اجرای این سازوکارها نیازمند مداخلات ذیل است:

الف) راهبردهای سطح کلان (سیاست‌گذاری و تقنین)

سیاست‌های حاکمیتی باید تسهیلگر سازوکار «غایت‌بخشی» و «تشکیل خانواده» باشند.

قوانین نباید به گونه‌ای باشند که سختی‌های معیشتی مانع از تفسیرِ معنویِ رنج (سازوکار تحول شناختی) شود.

راهکار عملی: بازنگری قوانین اقتصادی با پیوست خانواده.

مستند (کلام رهبر انقلاب): «مسئولین بایستی لوازم و اسباب کار را فراهم کنند. اینکه ما بگوییم جوان‌ها ازدواج کنند؛ اما کار و مسکن نباشد و یا گران باشد، نمی‌شود ... قانون‌گذار باید جوری قانون بگذارد که تسهیل بشود» (بیانات در خطبة عقد، ۱۳۷۹/۰۴/۰۹).

ب) راهبردهای سطح میانی (فرهنگی و رسانه‌ای)

رسانه‌ها وظیفه دارند سازوکار «ارزشی - هنجاری» (ایثار و گذشت) را به فرهنگ عمومی تبدیل کنند و از نمایش الگوهای مادی‌گرایانه که ضدِ «مودت» است، بپرهیزند.

راهکار عملی: تولید آثار هنری که قهرمانان آن با «صبر» و «گذشت» بر مشکلات پیروز می‌شوند، نه با طلاق یا نزاع حقوقی.

مستند (کلام رهبر انقلاب): «در همة فیلم‌ها، خانواده بایستی دارای حرمت باشد ... آن چیزی که اساس خانواده را بر هم می‌زند، اینها را به‌هیچ‌وجه نباید در فیلم‌ها ترویج کرد؛ [مانند] بی‌اعتمادی زن و شوهر به همدیگر ... نباید جلوه‌گری‌های غلط و انحرافی در کار رسانه‌ای بیاید» (دیدار با مسئولان صداوسیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

ج) راهبردهای سطح خرد (آموزشی و مشاوره‌ای)

آموزش‌های حین و پس از ازدواج باید از تمرکز صرف بر حقوق به سمت آموزش مهارت‌های «محبت‌ورزی» (سازوکار تعالی ارتباطی) تغییر جهت دهد.

راهکار عملی: طراحی کارگاه‌های آموزشی «هنرِ مدارا» و «معنای زندگی مشترک» برای زوجین.

مستند (کلام رهبر انقلاب): «محبت را باید یاد گرفت ... مثل یک گیاهی است که باید به آن آب داد، باید نور داد ... با اظهار محبت، با گذشت، با وفاداری، این محبت را حفظ کنید» (بیانات در مراسم خطبة عقد، ۱۳۸۱/۰۸/۰۸).

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پاسخ به بحران فزایندة تزلزل نهاد خانواده در دنیای معاصر که ریشه‌های عمیقی در بحران معنا دارد، شکل گرفت. هدف اصلی این مقاله، عبور از تحلیل‌های توصیفی صرف و استخراج یک مدل مفهومی - راهبردی برای «تحکیم خانواده» بر اساس «سازوکارهای معنابخشی به زندگی» در منظومة فکری رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای بود. با بهره‌گیری از روش

تحلیل مضمون کیفی، یافته‌ها نشان داد اندیشهٔ ایشان یک سیستم روان‌شناختی - معنوی منسجم را برای مصون‌سازی خانواده پیشنهاد می‌دهد که هستهٔ اصلی آن را چهار سازوکار کلیدی تشکیل می‌دهد: ۱) سازوکار تحول شناختی که سختی‌ها را به فرصت رشد تبدیل می‌کند. ۲) سازوکار غایت‌بخشی که به وظایف روزمره، هدفی متعالی می‌بخشد. ۳) سازوکار ارزشی - هنجاری که فرهنگ ایثار و گذشت را جایگزین منطق فردگرایانه می‌کند. ۴) سازوکار تعالی ارتباطی که عشق را از سطح هیجانات ناپایدار به عمق «مودت و رحمت» ارتقا می‌دهد.

نتایج این تحقیق نشان داد این سازوکارها نه‌تنها با مبانی حکمت اسلامی، بلکه با یافته‌های کلیدی روان‌شناسی مدرن به‌ویژه نظریهٔ معنادرمانی و مدل تاب‌آوری خانواده، گفت‌وگویی سازنده و عمیق برقرار می‌کنند. نوآوری اصلی این مقاله در ارائهٔ یک مدل یکپارچه و تبیینگر بود که چگونگی و فرایند تأثیرگذاری این آموزه‌ها بر استحکام خانواده را روشن می‌کند. این مدل اندیشهٔ رهبر انقلاب را نه مجموعه‌ای از توصیه‌های پراکنده، بلکه به مثابه یک فناوری نرم برای مدیریت پیچیدگی‌های روابط انسانی و بحران‌های معنوی عصر حاضر معرفی می‌کند.

این پژوهش با هدف عبور از تحلیل‌های توصیفی رایج به دنبال کشف سازوکارهای بنیادینی بود که از طریق آنها، «معنابخشی به زندگی» در منظومهٔ فکری رهبر معظم انقلاب به «تحکیم خانواده» منجر می‌شود. یافته‌های تحقیق که در قالب یک مدل مفهومی چهارمرحله‌ای (تحول شناختی، غایت‌بخشی، ارزشی - هنجاری و تعالی ارتباطی) ارائه شد، صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نیست؛ بلکه یک سیستم روان‌شناختی - معنوی منسجم را به تصویر می‌کشد که می‌تواند به مثابه یک «سیستم ایمنی معنایی» برای نهاد خانواده عمل کند. در این بخش، ابعاد گوناگون این یافته‌ها بحث و بررسی می‌شود.

نکتهٔ درخور توجه در مورد سازوکارهای چهارگانهٔ استخراج‌شده، هم‌سویی عمیق آنها با یافته‌های کلیدی روان‌شناسی مدرن و نظریه‌های خانواده‌درمانی است. این هم‌سویی نشان می‌دهد مدل ارائه‌شده، به‌رغم ریشه داشتن در یک جهان‌بینی خاص، با اصول جهان‌شمول سلامت روان و روابط انسانی گفت‌وگو می‌کند.

سازوکار تحول شناختی به‌طورمستقیم با هستهٔ اصلی معنادرمانی ویکتور فرانکل (۲۰۰۶م) و نظریهٔ تاب‌آوری خانوادهٔ فرما والش (۲۰۱۶م) هم‌خوانی دارد. فرانکل معتقد بود آخرین آزادی انسان، انتخاب نگرش خود در برابر اوضاع تغییرناپذیر است. سازوکار تحول شناختی دقیقاً همین فرایند را از طریق بازتفسیر رنج به «امتحان الهی» عملیاتی می‌کند. این فرایند مؤلفهٔ کلیدی «سیستم‌های اعتقادی خانواده» در مدل والش است که به خانواده‌ها کمک می‌کند در مواجهه با

مصائب، معنایی بیابند و امید خود را حفظ کنند؛ بنابراین مدل ما یک تبیین دقیق و بومی‌شده از این اصل جهان‌شمول ارائه می‌دهد.

سازوکار غایت‌بخشی پاسخی قدرتمند به احساس بی‌هدفی و فقدان افق معنایی در زندگی است. با پیوند زدن وظایف روزمره به اهدافی متعالی همچون تربیت نسل صالح و مشارکت در ساخت جامعه‌ای مطلوب، این سازوکار به زندگی خانوادگی، هدفی فراتر از تأمین نیازها و رضایت‌های فردی می‌بخشد. در چنین چارچوبی، فعالیت‌های روزمرهٔ خانواده از سطح کنش‌های عادی فراتر می‌روند و در منظومه‌ای هدفمند و معنادار قرار می‌گیرند؛ امری که می‌تواند انگیزه، امید و پایداری اعضای خانواده را در رویارویی با دشواری‌ها تقویت کند.

سازوکار ارزشی – هنجاری که بر «ایثار» و «گذشت» به جای منطق بده – بستان تأکید دارد، می‌تواند یک راهبرد پیشرفته برای مدیریت تعارض‌ها در نظر گرفته شود. تحقیقات جان گاتمن (۲۰۱۵م) نشان می‌دهد زوج‌های موفق کسانی هستند که توانایی ترمیم رابطه پس از تعارض را دارند و یک «حساب بانکی عاطفی» مثبت ایجاد می‌کنند. ایثار و گذشت قدرتمندترین ابزارها برای واریز به این حساب بانکی و خنثی کردن اثرات ویرانگر تعارض‌ها هستند. این سازوکار از سطح تکنیک‌های ارتباطی فراتر می‌رود و یک فرهنگ رابطه‌ای متفاوت را پایه‌ریزی می‌کند.

درنهایت سازوکار تعالی ارتباطی با تمایز قائل شدن میان عشق هیجانی و «مودّت و رحمت»، راهکاری برای چالش بزرگ پایداری عشق در ازدواج‌های بلندمدت پیشنهاد می‌دهد. این دیدگاه به نظریهٔ مثلثی عشق استرنبرگ نزدیک است که عشق کامل را حاصل ترکیب سه مؤلفهٔ «صمیمیت»، «شور» و «تعهد» می‌داند. «مودّت» را می‌توان معادل ترکیبی از صمیمیت و تعهد عمیق دانست و «رحمت» عاملی است که این پیوند را حتی در غیاب شور اولیه، حفظ می‌کند.

اهمیت اصلی این پژوهش در سه جنبه نهفته است: اولاً این تحقیق با درپیش‌گرفتن رویکرد سازوکارمحور از سطح توصیف اندیشه‌های رهبر انقلاب فراتر رفته و به سطح تبیین فرایند[1] رسیده است. به جای آنکه صرفاً بگوید «صبر مهم است»، توضیح می‌دهد که صبر از طریق سازوکار تحول شناختی، چگونه به تاب‌آوری و استحکام خانواده منجر می‌شود. ثانیاً به جای عرضهٔ فهرستی پراکنده از توصیه‌ها، یک مدل مفهومی منسجم و یکپارچه ارائه کرده است که روابط پویا میان این سازوکارها را نشان می‌دهد. این مدل می‌تواند همانند یک چارچوب نظری برای پژوهش‌های آتی و طراحی مداخلات بالینی به کار رود. ثالثاً این مقاله یک پل مفهومی میان یک منظومهٔ فکری

1. Process Explanation.

اسلامی - انقلابی و زبان علمی روان‌شناسی معاصر برقرار می‌کند و نشان می‌دهد چگونـه می‌تـوان از دل متون دینی و رهنمودهای یک رهبر سیاسی - دینی، دانـش کـاربردی و قابـل فهـم بـرای حـل مسائل انضمامی جامعه استخراج کرد.

درنهایت این پژوهش فراتر از یک تحلیل نظری صرف، با تـدوین راهبردهـای عملیـاتی در سـه سطح کلان (سیاست‌گذاری)، میانی (فرهنگی - رسانه‌ای) و خـرد (آموزشـی - مشـاوره‌ای)، یـک نقشهٔ راه برای اقدام، ارائه می‌دهد. این مدل و راهبردهای برآمـده از آن، ایـن ظرفیـت را دارد کـه بـه عنوان یک الگوی بومی و کارآمد، مبنـای سیاسـت‌گذاری‌های فرهنگـی و اجتمـاعی در جمهـوری اسلامی ایران و جوامع اسلامی دیگر قرار گیرد. امید است که این تحقیق گام آغازین برای حرکت از آسیب‌شناسی صرف نهاد خانواده به سوی طراحی و ترویج الگوهای سازنده و معنامحور باشد و راه را برای پژوهش‌های تجربی و مداخلات عملیاتی آتی در این حوزه، هموار کند. بازگشت به «معنـا» نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای بقا و تعالی مهم‌ترین نهاد اجتماعی بشـر یعنـی خانواده در قرن بیست‌ویکم است.

منابع و مآخذ

۱. بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۵). خانواده، هویت و سبک زندگی. اصفهان: نشر حدیث راه عشق.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (www. Khamenei.ir).

۳. پسندیده، عباس؛ مهدوی کنی، مریم و شجاعی، زینب (۱۳۹۷). الگوی اسلامی شادکامی خانواده بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامهٔ مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۴ (۵)، ص۶۵-۸۸.

۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). مطلع عشق: گزیده‌ای از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوج‌های جوان. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۵. خدایاری فرد، محمد؛ شکوهی یکتا، محسن و غباری بناب، باقر (۱۳۸۵). نقش باورهای مذهبی در سلامت روان و استحکام خانواده. مجلهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۶ (۲)، ص۵۴-۳۰.

۶. عطارزاده، سمانه و بهشتی، سعید (۱۴۰۰). تبیین جایگاه و نقش تربیتی زن در خانواده با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. پژوهشنامهٔ تربیتی، ۱۶ (۶۶)، ص۱۲۵-۱۴۸.

۷. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۸). انسان در جست‌وجوی معنا. ترجمهٔ نهضت صالحیان و مهین میلانی، تهران: انتشارات درسا.

۸. مرکز آمار ایران (۱٤۰۳). سالنامهٔ آماری کشور ۱٤۰۱. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). انسان و سرنوشت. تهران: انتشارات صدرا.

10. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp.77-101.

11. Braun, V. & Clarke, V. (2021). *Thematic Analysis*: A Practical Guide. Sage Publications.

12. Frankl, V. E. (2006). *Man's Search for Meaning*. Beacon Press.

13. Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2017). *Family Therapy*: An Overview (9th ed.). Cengage Learning.

14. Gottman, J. M. & Silver, N. (2015). *The Seven Principles for Making Marriage Work*. Harmony Books.

15. Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications.

16. Seligman, M. E. P. (2011). *Flourish: A Visionary New Understanding of Happiness*. Free Press.
Walsh, F. (2016). Family Resilience: A Developmental Systems Framework. *European Journal of Development Psychology*, 13 (3), 313-324.